

نگاه

آقای باهنر، قدری انصاف!



مهرداد حجتی

● روز جمعه محمدرضا باهنر در برنامه شناسنامه شبکه‌سه تلویزیون از درغلندیدن دولت خاتمی به دست آنچه که او «اصلاح‌طلبان تندرو» خوانده، سخن گفت. وی گفت: آقای خاتمی شخصا مایل به تندروی نبود، او حتی در برابر تندروها که عمدتا از تحکیم وحدتی‌ها و مشارکتی‌ها بودند ایستاد و به آنها گفت بیایید سهم رایتان هرچه هست – اگر دو یا سه‌میلیون است – بردارید. تا من بتوانم برای آن ۱۵میلیون رای‌دهنده‌ای که باقی می‌ماند، کار کنم! این نقل‌قول از سیدمحمد خاتمی در حالی بیان می‌شود که هیچ سند و مآخذ معتبری برای آن ذکر نمی‌شود و ذکر آن از زبان نایب‌رییس مجلس بیش از آنکه دلسوزانه به نظر آید پراهمام و پرسش‌برانگیز به نظر می‌رسد.

از آن‌رو که همگان می‌دانند که تا پیش از دوم‌خرداد ۷۶ هنوز حزب مشارکت تاسیس نشده بود تا بتواند سهمی در انتخابات داشته باشد و اگر هم منظور ایشان انتخابات سال ۸۰ بوده است که با این ادعا اعتبار حضور ۲۲میلیونی مردم زیرسوال می‌رود. آیا مردم پس از گذشت چهار سال هنوز نتوانسته بودند خاتمی را بشناسند؟ و چشم‌پسته و به تعبیری از سر جهل به او رای داده‌اند؟! آن‌هم دومیلیون بیشتر از چهار سال پیش؟! آقای باهنر همچنین در بخش دیگری از سخنانش می‌گوید: «امروز اگر مردم به اعتدال رای داده‌اند به این دلیل است که از تندروی در هر دو دولت اصلاح‌طلبان و اصولگرایان خسته شده‌اند و ترجیح خاتمی را به‌شناختند؟ و چشم‌پسته و به تعبیری اشاره نکردند که اگر مردم حقیقتا از دولت آقای خاتمی خسته شده بودند چرا برای چهارسال دیگر ایشان را آن هم با رای بالاتر از دوم‌خرداد ۷۶ برگزینند؟ گویا ایشان از خاطر بردماند که آقای خاتمی در سال ۱۳۸۰ که برای دومین‌بار کاندیدا شد با شعار «اعتدال» یا به عرصه انتخابات گناشتند. شعاری که نخستین‌بار از زبان ایشان شنیده شد، موردپسند واقع شد و برای او ۲۲میلیون رای آورد. ضمناً آقای باهنر توضیح نمی‌دهند انتخبات‌ اخیر چه ربطی به دوران آقای خاتمی – که هشت‌سال از آن گذشته است – دارد؟ فرد مورد وثوق و موردعلاقه آقای باهنر – رییس‌جمهور منتخب آقای روحانی – مدام در تمامی سخنانش – حتی اخیرا در حضور نمایندگان مردم در مجلس – از حجم وسیع خرابی‌های به‌جامانده سخن گفته است. از تورم ۴۲درصدی و تحمیل تحریم‌ها به مردم. آیا سخن از دستاوردهای دولت خاتمی است؟ آدرس غلط مخاطب را گمراه می‌کند. آیا پسندیده نیست اگر در مسند قضاوت نشست‌نام به عدل و انصاف داری کنیم و از جاده انصاف خارج نشویم؟ همچنین آقای باهنر سند معتبری برای مدعی بودنشان در پیش‌روی میلیون‌ها بیننده تلویزیونی در خصوص رادیکالیزه‌شدن دولت اصلاحات ارایه نکرده‌اند. ایشان فقط به این ادعا که «شخص آقای خاتمی به من گفت» بسنده کرده‌اند بی‌آنکه به این نکته توجه داشته باشند که چنین ادعایی می‌تواند تا چه اندازه تصویر نامتوازی از جایگاه دآوری ایشان به دست دهد، چراکه جز ایشان از هیچ منبع دیگری چنین ادعایی نقل نشده است. آیا به‌صرف اینکه گفته شود فلاطی به من گفت – بدون هیچ شاهد معتبری – می‌توان بر آن گفته صحه گذاشت؟ البته می‌توان از سر خبرخواهی از آقای باهنر خواست؟ حرف‌های هم‌طیف و هم‌جانی خودشان آقای مهدی نصری – سردبیر سابق کیهان – را در خبرآنلاین مطالعه کنند. حرف‌هایی که هم به کار ما و دوستانمان می‌آید و هم به کار ایشان و دوستانشان. مهدی نصری می‌گوید: «بخش قابل توجهی از مردم – بیش از نیمی از آنها – به‌دنبال مفری از وضع موجود در نظام و کشور می‌گردند. به نظر می‌رسد حداقل نیمی از مردم با گفتمان حاکم بر نظام و دستگاه‌های رسمی و نیز نحوه اداره کشور دچار مسأله، مشکل و ناخواری هستند و نه الزاماً عناد و دشمنی. البته فعلا ما در آینده اگر برای آن چاره‌ای اندیشیده نشود، می‌تواند به عناد و خصومت تبدیل شود» بعد شجاعانه می‌افزاید: «ما سخت نیازمند گفت‌وگو و حرف‌زدن بدون ملاحظه هستیم» بدون خط قرمز، برای نقد گذشته و حال و رسیدن به طرحی برای آینده هستیم». مهدی نصری در بخشی دیگر از حرف‌هایش می‌گوید: «ما نمی‌توانیم آرمان‌هایمان را فاغر از واقعیت‌ها دنبال کنیم. ما در عصر غلبه واقعیت‌ها بسر آرمان‌ها زندگی نمی‌کنیم. و همین من را به این استدلال می‌رساند که انتخاب آقای روحانی بهترین گزینه بوده است. ما وجود آنکه رای من به فرد دیگری بوده است»... آقای باهنر حتماً یادشان هست قریب به هفت‌سال از هشت‌سال ریاست‌جمهوری به‌طور گسترده و گشاده‌دستانه خودشان و دوستانشان از آقای احمدی‌نژاد حمایت کر دندد. حمایتی که هیچ‌گاه به این گستردگی از آقای خاتمی نشد. با همه این احوال دو کارنامه کاملاً متفاوت با در تراز غیرقابل قیاس از دو رییس‌جمهور به‌جا مانده است که در این مجال فرصت برشمردن یکایک تفاوت‌ها نیست. شاید وقتی دیگر» اصلاح‌طلبان هم سهمی اندک از آنچه می‌دریغ از آتن رسانه ملی نصیب آقای باهنر و دوستانشان می‌شود، نصبیشان نشود تا آنها نیز مجاری ولو اندک بیابند تا آدرس‌های داده شده به مردم را تصحیح کنند.

تا ن روز از آقای باهنر انتظار می‌رود جانب انصاف را نگاه دارد و برگی به اشتباه به تاریخ نیفزاید. که البته می‌توان در منش هم «معتدل» بود و هم جانب «اعتدال» را نگاه داشت. بیایید تمرین کنیم.

تعامل سپاه با دولت‌ها از ابتدای انقلاب تاکنون چگونه بوده است؟

پاسخ به این سوال نیازمند یک مقدمه است و آن اینکه، همه آنچه امروز شاهدیم محصول شناخت و درایت عمیق امام(ره) و اندیشه برگرفته از اندیشه اسلام و فرهنگ اهل‌بیت(ع) و نیز شناخت ایشان از دشمنان اسلام و انقلاب بود که توانست گفتمان جدیدی را مبتنی بر گفتمان پیامبر و اهل‌بیت(ع) در تاریخ معاصر احیا کند. اگر به زمان وقوع انقلاب اسلامی در سال ۵۷ دقت کنیم، ما در این مقطع با دو گفتمان مسلط که بخش عمده‌ای از جهان را هم بین خود تقسیم کرده بودند، مواجهیم؛ یکی گفتمان غرب به سرکردگی آمریکا و دیگری گفتمان کمونیسم به سرکردگی شوروی سابق. آنچه که جزو نوآوری‌های آن دوره بود ظهور گفتمان سومی است که این گفتمان ضمن تفاوت‌های اساسی با دو گفتمان مسلط، تنها خواست جغرافیایی ایران و حتی خواست جغرافیایی امت اسلام نبود، بلکه واجد ارزش‌های الهی و سانی‌گار با فرهنگ و فطرت همه انسان‌ها بود. با پیروزی انقلاب اسلامی و پیدایش گفتمانی نوین و نافذ صاحبان دو گفتمان قبلی احساس کردند با یک مشکل اساسی و جدی مواجه شده‌اند، بنابراین هردو با دلایل و منافع خاص، خود را با چالش جدی روبه‌رو دیدند و تلاش کردند این گفتمان یا شکل‌نگیر یا اینکه حداقل اجازه ندهند از مرزهای جغرافیایی کشور عبور کند و تبدیل به گفتمان جهانی شود.

اما امام با شناخت عمیقی که از ترندهای پیچیده دشمن داشتند رای اینکه انقلاب را بتوانند مضمون کنند، علاوه بر نهادهایی که مدنظر داشتند یکی از نهادهایی را که مولود انقلاب است، یعنی سپاه را ایجاد کردند. امام همواره نسبت به نهاد سپاه دیدگاه ثابت داشتند و آن این بود که سپاه مسوولیت دارد از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن حراست کند و این وظیفه را محدود به تهدید یا حدود خاصی نکرندند و جالب این است که برخلاف تصور و تبلیغات رسانه‌ای که تبدیل به یک دروغ رایج هم شده، سپاه قانومندترین نهاد انقلاب اسلامی است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تجربه منحصربه‌فردی دارد، یعنی در زمانی که شکل می‌گیرد و در حال آموزش و سازماندهی است، در همان حین با مشکلات مختلفی که کشور با آن روبه‌رو است مثل غایله‌های کردستان، ترکم‌صحرا و مقابله با گروهک‌های ضدانقلاب، ماموریت خود را انجام می‌دهد که اوج این تجربه نیز در تهاجم صدام و ورود سپاه به عرصه هشت‌سال دفاع مقدس بود. سپاه در ابتدای شکل‌گیری، بخش عمده‌ای از کارش کار فرهنگی و در جهت ترویج گفتمان امام و گفتمان انقلاب اسلامی بود و در جهت ساختارسازی و سازمان‌سازی برای استقرار نظام جمهوری اسلامی و تغییر نظام بوروکراسی شاهنشاهی فعالیت می‌کرد.البته در این راستا برخی نهادها و دستگاه‌های دیگر نیز متلنسب با شرایط و ظرفیت‌های خود ایفای نقش می کردند.

بعد از سیری‌شدن سال ۵۸ و پایان کار دولت موقت و حوادث پس از تسخیر لانه جاسوسی و حمله نظامی آمریکایی‌ها به طبرس، جنگ تحمیلی عراق با حمایت استکبار جهانی در ۲۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد. دولت زمان جنگ شرایط خاصی داشت، ما در تقابل با یک تهاجم خارجی بودیم و تلاش می‌شد از سوی دولت یک تعامل جدی و پشتیبانی و حمایت بدون دعوا و درگیری را شاهد باشیم. کسانی که در خطوط مقدم بودند از دولت مطالبه داشتند، حق هم داشتند و از زمانی که دولت نقش و جای خود را پیدا کرد تدریجا این پشتیبانی‌ها بیشتر هم شد. گرچه در سال‌های آخر جنگ تحمیلی نسبت به رویکرد و رفتار نخست‌وزیر و دولت وقت انتقاداتی مطرح است.

منظور تان از دولت وقت، دولت آقای میرحسین موسوی است؟

بله منظور دولت ایشان است. در شرایط بعد از جنگ در همه کشورها اصلی وجود دارد که بعد از جنگ دولت از تمام توانمندی‌های ملی برای بازسازی کشور استفاده می‌کند و تحت عنوان «عملکرد نیروهای مسلح در دوران صلح یا بعد از جنگ» مطرح می‌شود، کشورهای روسیه و چین از این مساله استفاده خوبی کرده‌اند. سپاه هم با توجه به توانمندی‌های خوبی که در حوزه‌های مهندسی داشت و علاوه بر تجهیزات و امکانات، از نیروی انسانی زنده و هوشمندی هم‌برخوردار بود، براساس اصل ۱۴۷ قانون اساسی و با فرمان مقام‌عظم‌هربری در ۲۳ آذر ۶۸ بخشی از توانمندی‌های خود که عمدتا ماهیت مهندسی داشت را وارد حوزه سازندگی کشور کرد. البته در آن زمان مثل همه حوزه‌های دیگر مانند جنگ نسبت به توانایی‌های سپاه خیلی حرف‌و‌حدیث بود که اینها (سپاه) دوره ندیده‌اند، آموزش ندیده‌اند، لشکر و یگان نمی‌شناسند و اتفاقا یکی از چالش‌های سپاه با بنی‌صدر هم در همین زمینه بود که اجازه کار به سپاه نمی‌دادند، اما با تاکیدات امام، نماینده ایشان در شوراییعلی دفاع که در آن زمان مقام‌عظم‌هربری بودند و هم با جدیت آقای هاشمی بر مشکلات فائق آمدیم و سپاه توانست به همه این سوالات و شبهات پاسخ دهد و ملت ما متوجه شدند که اگر حضور سپاه نبود شرایط متفاوت می‌شد. بنابراین سپاه با به جان خریدن همه این حرف‌ها توانست موفق ظاهر شود.

در حوزه سازندگی نیز از ابتدا تا همین امروز هرکسی از منظر خاصی با ورود سپاه مخالفت داشت که به ظاهر

سیاست

در گفت‌وگو با سخنگوی سپاه مطرح شد

باز خوانی رابطه سپاه با دولت‌های هاشمی، خاتمی و احمدی‌نژاد



محمد نوروزی

سپاه یکی از نهادهای قدرتمند و تعیین‌کننده در ایران پس از پیروزی انقلاب، تاکنون بوده است که وظیفه اصلی آن «حراست از انقلاب و دستاوردهای آن» تعریف شده است. با اینکه سپاه، بیشتر به‌عنوان نهادی نظامی-امنیتی شناخته شده، اما مسوولیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی‌ای نیز برای خود تعریف کرده است. ورود سپاه در حوزه‌های اقتصادی بعد از جنگ هشت‌ساله و در حوزه سیاسی، بیشتر، از سال ۸۴ و به‌ویژه سال ۸۸ به این سو محل مناقشه بوده است. در همین راستا با سردار «رمضان شریف، هم‌رمز سردار سپاه قدس (قاسم سلیمانی) که بیشتر دوران فعالیتش را با رسانه‌ها و خبرنگاران سپری کرده است، درباره نقد عملکرد سپاه گفت‌وگو کردیم. سردار شریف، پنج سال شالی هست که سمت سخنگویی و مدیر کلی روابط عمومی سپاه را بر عهده دارد و شاید از معدود کسانی است که توانسته میان حوزه فعالیتش در نهادی امنیتی با رسانه‌ها ارتباط و هماهنگی خوبی برقرار کند.

تعامل سپاه با کدام‌یک از دولت‌های هاشمی، خاتمی و احمدی‌نژاد بهتر بود؟

در بخش‌های مختلف متفاوت است. در حوزه فرهنگی در دولت اصلاحات رضایت چندانی از عملکرد آنان نداشتیم و تعامل سپاه با آنها کمتر بود، نوع تفکری که مسوولان این بخش به کار می‌گرفتند چه در حوزه فرهنگی یا در حوزه سیاست خارجی، باعث می‌شد تعامل فشی دولت سپاه از گفتمانی حمایت می‌کرد که بتواند اقتدار کشور را به نمایش بگذارد و در حوزه بازدارندگی تاثیر مثبت‌تری داشته باشد و طمع دشمنان را کمتر کند. به‌عنوان نمونه در این دوره و در اوج بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها که دولت دنبال می‌کرد، آمریکا ما را به‌عنوان محور شرارت در کنار کره‌شمالی و صدام مطرح کرد این در واقع ناشی از ماهیت دشمن و نوع نگاه آنها

به واقعیت ماست، بخشی از انتقاد سپاه در آن دوره همین بود. اما به نظر در حوزه سازندگی سپاه، در دوره آقای هاشمی و به‌ویژه در دوره آقای خاتمی از منظر کاری موانesh کمتر بود، گرفتن کار در دولت‌های نهم و دهم سخت‌تر بود، این نظر من هم نیست بلکه بیان صریح فرمانده سابق قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) (آقای رستم قاسمی وزیر فعلی نفت) است، نمی‌خواهم بگویم عنادی داشتند ولی سختگیری‌های کار بیشتر بود.

تعامل با کدام‌یک از دولت‌ها بهتر بود؟

نمی‌شود به‌طور کلی گفت، در حوزه‌های متفاوتی تقسیم‌می‌شود. تعامل سپاه با دولت‌هایی که قانونگراتر بودند و روند امور را قانونی طی می‌کردند، راحت‌تر و منطقی‌تر بود. سیاست‌های کلی نظام و وظایف سپاه مشخص است. سپاه به‌عنوان حافظ انقلاب به هر میزان که دولت‌ها شرایط و بسترها را فراهم کرده‌اند برای کمک به آنها شتاب کرده و در هیچ‌یک از دولت‌های سازندگی، اصلاحات و نهم و دهم کم نگذاشته است. در دوره اصلاحات شاهد حضور آمریکایی‌ها در عراق و افغانستان بودیم، سپاه به‌عنوان لبه جلویی حوادث به‌طور شایسته‌ای توانست وظایف خود را انجام دهد و تهدید را از کشور دور کند. در دوره آقای احمدی‌نژاد هم دیدید چندین‌بار آمریکایی‌ها تا مرحله تهاجم به ما پیش رفتند، اما تهاجم خود را عملی نکردند، چون از قدرت بازدارندگی سپاه و نیروهای مسلح که به نمایش درآمده بود به‌ویژه رزمایش‌های پیامبر اعظم(ص) که از دوران اصلاحات آغاز شد، فهمیدند که نباید ریسک کنند چرا که متضرر خواهند شد و این یک اصل ثابت بود. در منازرات نامزدهای ریاست‌جمهوری اخیر هم دقت کنید، می‌بینید که هیچ دغدغه امنیتی از سوی هیچ‌یک از کاندیدها مطرح نشد و این عملکرد خوب نیروهای مسلح به ویژه سپاه بود که در حوزه نظامی و دفاعی به گونه‌ای عمل کند که هیچ کشوری هوس تهاجم دوباره به این کشور را نداشته باشد. باید اذعان کنیم در دوران انقلاب کشور در یک جنگ ناخواسته غافلگیر شد، بنابراین هرگز این اتفاق نباید تکرار شود. یکی از دغدغه‌های جدی دولت‌ها امنیت کشور و مرزهاست. هدیه سپاه و به‌طور کلی نیروهای مسلح به دولت‌ها همین امنیت کشور است. رییس دولتی که هیچ دغدغه‌ای نسبت به امنیت نداشته باشد چقدر می‌تواند راحت‌تر در جهت تحقق شعارها و قول‌هایی که داده عمل کند و این در مورد دولت آینده نیز صدق خواهد کرد و به یاری خداوند، دکتر روحانی نیز دغدغه‌ای از این بابت نخواهد داشت.

ادامه از صفحه ۱۴

ادامه از صفحه اول

لزوم کنترل آسیب‌های اجتماعی

هرچند در این میان نمی‌توان این نکته را انکار کرد که پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی، همواره یکی از دغدغه‌های برنامه‌ریزان اجتماعی بوده است. در مورد راهکارهای اصلاح و بهبود آسیب‌های اجتماعی، نظرگاه‌های مختلفی وجود دارد. عدای روش انکار و پرده‌پوشی را تجویز می‌کنند و عدای دیگر به روش‌های پلیسی اعتقاد دارند. جوامعی هم وجود دارند که زنجیره آسیب‌های اجتماعی را حلقه‌های جداز یکدیگر می‌بینند که بدون درمان علل اولیه با تزریق مسکن‌های آرامبخش و در پیش گرفتن رویکردهای تسکین موقت، سعی در پوشش بحران‌های اجتماعی دارند آنچه که در مورد شیوه‌های کنترل آسیب‌های اجتماعی در ایران می‌توان گفت این است که کمتر از یک دهه گذشته، تمام این رویکردها به‌صورت خواسته یا ناخواسته در بدنه نهادهای دولتی کشور تزریق شده است. ضمن آنکه به‌رغم دهه‌ها تشکیلاتی که خود را مؤثر در فرآیند کنترل آسیب‌های اجتماعی می‌دانند، هیچ نهاد مشخصی به عنوان متولی اصلی و سیاستگذار محوری وجود نداشته است. نبود انسجام و فعالیت سیستمی و غیبت نگاه نظاموار یکپارچه، نقضی اساسی است که همواره در پروژه‌های اجتماعی از این دست، در سال‌های اخیر به چشم می‌خورد. اجرای طرح‌هایی که در بسیاری از بخش‌ها، دارای همپوشانی غیرقابل انکارند، خود نشان از فقدان یک رویکرد سیستمی به موضوعی واحد به نام آسیب‌های اجتماعی دارد. پایه و اساس این ضعف، باورنداشتن به ضرورت تعیین متولی واحد در برنامه‌های اجتماعی است.از سوی دیگر تکرار آزموده‌ها و آرایه بسیاری از طرح‌ها که گاهی، ابتکاری نیز خوانده می‌شوند، (در حالی که با کیفیت‌های مختلف قبلا یا در کشور اجرا شده‌اند یا نتایج علمی و پژوهشی نتایج اجرای آنها در بسیاری از کشورها، به سهولت در دسترس است)، عاقبتی جز اتلاف وقت و انرژی و سرمایه ملی کشور نداشته است. آنچه که امروز جامعه ما سخت به آن محتاج است، ورود معنادار نگرش علمی و منطقه به عرصه‌سیاستگذاری‌های اجتماعی مبتنی بر قبول وجود و رشد آسیب‌های اجتماعی در دهه گذشته و تلاش همه‌جانبه برای حذف یا به حداقل رساندن آنها از طریق نظام واحد و یکپارچه برنامه‌ریزی اجتماعی و توجه به علل، به جای عنایت به معلول هاست. این در حالی است که از زاویه اجتماعی اگر به آسیب‌های اجتماعی به‌موقع رسیدگی نشود، افزایش جرم و جنایت را در پی خواهد داشت که مخرب انضباط اجتماعی است و می‌تواند امنیت اجتماعی را خدشه‌دار و هزینه‌های ثانویه سنگینی را بر نظام اجتماعی کشور تحمیل کند که بازسازی آن مستلزم صرف هزینه زمانی و مالی بسیار و از دست دادن سرمایه‌های انسانی بیشتر در کشور است.

هر گزردی، گردونیست!

در هنگام خرید به هولوگرام نیا د کارت گارانتی دقت نمائید

اُجنرال اصل

فقط با گارانتی معتبر شرکت تهویه نیا

هشدار

برخی از سوداگران به قصد فریب مصرف کنندۀ ، با سوء استفاده از حسن اعتبار برند اُجنرال، با اضافه نمودن پسوندد و یا پیشوند به کلمه جنرال، از طرق غیرقانونی اقدام به واردات کولرهایی تقلبی با نام‌های معجول و مشابه برند اُجنرال با پایین‌ترین کیفیت ممکن ، بدون استاندارد و یا با استانداردهای جعلی و مخدوش نموده‌اند.

خواهشمندستد توجه فرمائید که بارزترین مشخصه دستگاه اُجنرال اصلی، گارانتی شرکت تهویه نیا با پنج سال ضمانت بدون قید و شرط کمپرسور می‌باشد.

شایان ذکر است دراین خصوص اقدامات قانونی لازم صورت گرفته وپرونده خاطیان در مراجع قضایی تحت پیگرد می‌باشد. لذاخواهشمندست هنگام خرید در صورت مشاهده کولرهای تقلبی مراتب رایه این مجموعه اطلاع رسانی فرمائید.



تهران، بلوار میرداماد، بعد از خیابان نفت جنوبی، پلاک ۴۶۲، ساختمان نیا

تلفن: 021 2322

info@nia.ir

شرکت تهویه نیا

نماینده انحصاری محصولات تهویه مطبوع اُجنرال ژاپن

تهران، بلوار میرداماد، بعد از خیابان نفت جنوبی، پلاک ۴۶۲، ساختمان نیا

تلفن: 021 2322

info@nia.ir